

فرهنگ روضی

چهارشنبه

۱۵ اسفند ۱۳۹۷

۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۰

۸ صفحه/شماره ۴۰۸۴

حکمت روز
<div>امام علی (ع)</div>

چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت را به او داده شده است: راستگویی، ادای امانت، حلال خوری و خوش اخلاقی.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۷، ج ۴۲۸۲

مناجات
علامه حسن زاده آملی

الهی، حاضر یا غافل بر ابر نیست، حضور و غفلتم ده!

الهی، شکر ت که به سرّ «مَن مات و لم یعرف إمامَ زمانِه مات میتة الجاهلیة» رسیدم و امام شناس شدم و فهمیدم که امام، اصل او قائم و نسل او داِیم است.

الهی، اَن کس تا ج عزت بر سر دارد که حلقه ارادت را در گوش دارد و طوق عبودیت را در گردن.

الهی، همه ددان را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده.

الهی، در خواب سنگین بودم و دیر بیدار شدم، باز شکر ت که بیدار شدم. خنک آن که مسمول (أتیناهُ الخُکم صبیّا - مریم ۱۲/)، و (أتیناهُ حمّة من عندنا من لدنا علماً - کهف/۶۵) است! الهی، حسن هیولای او لای هیچ ندر است، فقط قابل دیدن صورت بار است.

الهی، شکر ت که فقیر و حقیرم نه امیر و وزیر.

با شاعران
سهراب سپهری



حکایت

در باره گدایی مخوف حکایت می کنند که مال زیادی جمع آوری کرده بود. یکی از پادشاهان به او گفت: گزارش داده اند که مال فراوانی داری و ما را کار بزرگی پیش روست اگر مقداری از آن را به خزانه مدهی به رسم وفاداری از تومی پذیریم و از تو قدر دان هستیم. گدا گفت: در خور مقام پادشاه بزرگی چون شما نیست که دست به مال گدایی مانند من آلوده کند که من این اموال را ذره ذره و با گدایی جمع آوری کرده ام. پادشاه گفت: نگران نباش که ما آن را خرج کارفران خواهیم کرد.

"الْغَبِيثَاتُ لِلْغَبِيثِينَ" (۱)

گر آب چاه نصرانی نه پاک است

چهود مرده می شوپی چه پاک است

قالو عَجِین الکَلَس لِثَیْنِ بَاطَهر

قلنا نَسُدُّ به شَقْوقِ المَبرَزِ (۲)

مشهد

<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی</div></div></div></div>



رضا کیانیان، بازیگر سینما و تلویزیون از تجربه‌اش در مواجهه با پویانمایی‌های قدیمی چنین گفت: «از وقتی که یادم می‌آید به انیمیشن علاقه داشتم، از همان روزگاری که برای دیدن فیلم‌های انیمیشن با پدرم به سینما می‌رفتم و تازه، دوبله سینمای آثار جهان در ایران باب شده بود. آن زمان که خیلی بچه بودم دو سواد نداشتم و از دیگران می‌خواستم برایم کیشن‌های وسط فیلم را بخوانند تا ببینم موضوع از چه قرار است. بادش به خیر! آن زمان به انیمیشن می‌گفتند مضحک قلمی و ما می‌گفتیم مووسی قلمی. همیشه به این دلیل انیمیشن را دوست داشتم زیرا این سینما تخیل انسان را به شدت قوی می‌کند و گسترش می‌دهد. همه ما جهان واقعی را به این شکلی که هست، می‌بینیم ولی چه کنیم که روی دیگر این جهان را ببینیم یا جهان دیگری را ببینیم؟ به نظر من یکی از امکاناتی که به ما اجازه می‌دهد تخیلمان را گسترش دهیم و پنجره‌های تازه‌ای به جهان پیرامون مان بکشاییم همین پویانمایی یا انیمیشن است. … راستش را بخواهید پسرم هم همین‌طور است و مثل من انیمیشن را دوست دارم دو از زمانی که بچه بود تا همین الان، تمام فیلم‌های انیمیشن و تخیلی را با هم می‌بینیم و از این ماجرا لذت می‌بریم.»

دیالوگ

هر باختی مقدمه‌ای برای پیرروزیه بعدها می فهمی که آدم هیچ وقت از بردن چیزی یاد نمی گیره...

یک سال خوب – **کارگردان:** **ریدلی اسکات**

روز نامه خراسان رضوی:
رئیه یک نشریات استانی
سردیر: سیدعلی علوی
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
موسسه فرهنگی هنری خراسان

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۳۵
تلفن: ۵۱۰-۳۷۶۳۴۰۰

نمابر دبیر خانه: ۵۱۳۷۶۳۴۹۵
پدیرش آگهی و اشتراک: ۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۵۱۳۷۰۰۹۱۱
نمابر تحریریه: ۵۱۳۷۶۴۵۰۱

یادداشت
<div>هادی کیا دلبری</div>
<div>رئیس انجمن جنگلیانی ایران</div>

حفاظت پایدار از محیط زیست مستلزم مشارکت موثر مردم است

منابع طبیعی هر جامعه ثروت آن جامعه به شمار می آید که فقط به نسل حاضر تعلق ندارد، بلکه میراثی برای آیندگان نیز هست و استفاده شایسته از آن ها باعث رشد و توسعه اقتصادی می شود. در مقابل بهره برداری نادرست و هدر رفت این منابع، پیامدهای ناگوارری را به دنبال دارد که خسران بزرگ مادی و معنوی برای جامعه، جبران پذیر نبوسن ظرفیت های مذکور و ایجاد بحران در آینده کشور از جمله تبعات غفلت در این حوزه است.
شور یختانه منابع طبیعی کشور به دلایل متعدد در دهه اخیر به طور فزاینده ای در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته اند؛ به گونه ای که اصلاح و احیای مجدد آن ها به سال ها زمان و هزینه بسیار، هنگفت نیاز دارد. در بسیاری از موارد، این تخریب ها بیش از آن که معلول عوامل طبیعی همچون خشکسالی و تخریب اقلیم باشد، معلول عملکرد غیر علمی و غیر معقول انسان در بهره برداری از منابع مذکور بوده است.
در واقع بسیاری از افراد جامعه قاعد دانش و آگاهی زیست محیطی مناسب در زمینه میزان و نحوه بهره گیری از منابع طبیعی هستند و باید اقدامات موثری در زمینه ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی انجام شود.
فر هنگ سازی در خصوص حفاظت از منابع طبیعی به دو صورت انجام می گیرد؛ نخست به صورت نمادین و با غر سن نهال آن هم در «هفته منابع طبیعی» و دوم از طریق عملکرد مسئولان ذی ربط در برخورد با طبیعت. نکته حائز اهمیت آن است که دولتسردان باید در حفظ طبیعت پیشگام باشند، چرا که تنها در این صورت است که فرهنگ سازی در کل جامعه جاری و ساری می شود. البته نیاز به تشکل ها و ساختار های سازمان یافته مردمی به عنوان مکمل بر نامه های وسیع و گسترده دولت در امر حفاظت از منابع طبیعی به شدت احساس می شود تا با اتکا به ارزش های فرهنگی، اجتماعی و دینی حاکم بر جامعه و به دور از بوروکراسی های دست و پاگیر اداری بتواناند انگیزه های والای حفاظت از منابع طبیعی را در بین قشرهای مختلف جامعه تقویت و زمینه مشارکت آنان را در خصوص این امر خطیر و این جریان مهم، فراهم کنند.
برای توسعه توان و افزایش شمار تشکل های مردمی که در راستای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست فعالیت می کنند و همچنین بر خورداری از نقش مثبت آنان راهکارهای مختلفی باید اتخاذ شود که جمله آن ترویج، تبلیغ و ارائه آموزش های صحیح به تشکل های مردمی و هدایت آن ها در مسیر آگاهی بخشی به جامعه و عامه مردم است. کمک گرفتن از توان عمومی برای احیا و حفظ منابع به دور از بحران سازی، شناخت درست استعدادها و قابلیت های موجود و کمک به سازمان دهی تشکل های مردمی، اجرای برنامه های حفاظت موثر از منابع طبیعی و محیط زیست، ارتقای انگیزه و ترویج گری در بین قشرهای مختلف جامعه در گرایش به تشکل های مردمی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و … توصیه می شود.
با این حال نباید از این مهم غافل شد که بر خسی از افراد به دلیل در اختیار نداشتن منابع کافی برای تأمین نیازهای خود، به تخریب منابع طبیعی مبادرت می ورزند.
شاهد این مدعا آن است که بخشی از تخریب منابع طبیعی در زاگرس ناشی از ضعف فرهنگی نیست بلکه نشأت گرفته از احتیاجات معیشتی و اقتصادی مردم است؛ لذا تنها در سایه اشتغال زایی برای ساکنان این مناطق می توان از تخریب منابع طبیعی جلوگیری کرد. به طور کلی باید اذعان کرد؛ حفاظت پایدار از محیط زیست طبیعی، مستلزم مشارکت موثر مردم است و حتی می توان گفت که احاد جامعه دغدغه حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن را دارند. در سال های اخیر نیز موضوع مشارکت اجتماعی به عنوان یکی نیروی تعیین کننده در سیاست گذاری ها و تحولات محیط گری ها مطرح بوده و شاهد نمودهایی از آن نیز هستیم. هم اکنون، جست و جوی یک مبنای جدید و قابل اطمینان برای تحقق همکاری و انسجام اجتماعی به دغدغه مهمی برای تصمیم گیران تبدیل شده است. به طوری که بسیج مردم و استفاده از ظرفیت های آنان برای سازندگی در راستای حفاظت و احیای منابع طبیعی، تشکیل دوره های آموزشی مرتبط برای شهروندان، برگزاری همایش های علمی به منظور ارتقای سطح آگاهی های جامعه و آموزش شهروندان، ساخت بر نامه های تلویزیونی در راستای رشد اطلاعات عمومی جامعه و … از مهم ترین راهکار های حفاظت از منابع طبیعی است.
خوشبختانه طی سال های گذشته با همکاری رسانه ها و فعالان محیط زیست، بهره برداری سوء از جنگل های شمال کشور تا حد زیادی متوقف شد با این حال تا وضعیت ایده آل فاصله بسیاری وجود دارد. در جمع بندی این بحث باید یادآوری کنیم؛ کشور ما از لحاظ پوشش درختی بسیار فقیر است، به طوری که تنها ۷ درصد مساحت کشور مان را جنگل ها تشکیل می دهند که بخشی از آن نیز بریران شده است. علاوه بر این ۹۳ در صد از خاک کشور مادر کمربند خشک و نیمه خشک دنیا قرار دارد. از این رو روند ترشتاب تخریب منابع و لزوم برون رفت از شرایط بحرانی کنونی، همواره از تگرانی های گروه های مختلف بر نامه ریزان، سیاست گذاران و کاربران منابع طبیعی بوده است. لذا اهمیت و وسعت منابع طبیعی در ایران ایجاب می کند که مدیریت منابع طبیعی با تکرش جامع، به این ثروت ملی توجه خاص داشته باشد و برای حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری از این منابع؛ بر نامه ای پایدار و منسجم تدوین کندو به مرحله اجرا در آورد. مردم نیز باید متقاعد شوند که تنها در قبال محیط زیست پیرامون، بلکه در خصوص محیط زیست جهانی نیز مسئول هستند. با وجود این، میزان آگاهی و همچنین عملکرد ما تناسبی با شرایط بحرانی رو و به و خامت محیط زیست جهانی ندارد. امید است که به راهی و همگامی بیشتری را در سطح جامعه و مسئولان برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست مان شاهد باشیم.

به روایت تاریخ
غلامرضا آذری خاکستری

سفر نامه ها و یادداشت های تاریخی از شهر مان چه گفته اند؟

مشهد به روایت سیاحان



از زمانی که پای مستشرقان به ایران باز شد، قلم‌شان نیز تراوش گرفت به روایت‌گری از سرزمین مان. آن‌ها در گروه‌های مختلف برای سیاحت یا پیگیری مسائل سیاسی و اجتماعی به ایران وارد می‌شدند و در طول سفرشان به گوشه و کنار این آب و خاک سرک می‌کشیدند و مشاهداتشان را می‌نگاشتند. یادداشت‌هایی که بعد‌ها در قالب سفرنامه گردآوری می‌شد.
در این میان، شهر مشهد نیز از دوره صفویه به بعد مورد توجه مستشرقان و سیاحان قرار می‌گیرد، به طوری که در عهد قاجار تعدادی از آن‌ها ضمن سفر به مشهد از نقاط مختلف خراسان دیدن می‌کنند. اغلب سیاحانی که به این شهر قدم می‌گذارند از تاریخ و جغرافیا، مسائل نظامی، زیارت و بناهای مذهبی، آداب و رسوم، مردم شناسی و … نوشته‌اند. در این نوشتار روایت‌های آن‌ها را از احوال مشهد و مردمانش برای شما گرد آورده‌ایم.

اعیان و اشراف

ادموند ادنون خبرنگار ویژه روزنامه «دیلی نیوز لندن» بود که در دوران قاجار به شهرمان سفر می‌کند. او با تیزبینی، عملکرد و رفتارهای گروه‌های مختلف جامعه از جمله اعیان و اشراف مشهد را مورد توجه قرار داده و راجع به این طبقه در تحلیلی نوشته است: «اعیان و اشراف مشهد مثل سایر نقاط وقتی از منزل خارج می‌شوند با حاشیه حرکت می‌کنند و معمولاً چهار پنج نفر به دنبال هریک از آن‌ها به راه می‌افتند. یکی از شرایط این است که در انتظار عمومی متین و موقر و با قدم آهسته و به عبارت آخری، شتر مایانه حرکت کنند و الا به جلفی و سبکی معروف می‌شوند. این رسوم پوشیده رفته رفته در تهران موقوف شده و البته به تدریج به ایالات ولایات هم سرایت خواهد کرد و مردم شهرستان‌ها نیز متدرجاً این حرکات بی‌معنی را کنار خواهند گذاشت.» [۱]
با غلامحسین خان افضل الملک

که در سال ۱۳۲۰ ق. سفری به خراسان داشته، از مردم مشهد آن دوران چنین نوشته است: «در ایام توقف در مشهد مقدس، علما و فضلا و خانواده‌های بزرگ و اشراف و اعیان شیرو و خانوین و طبقه نوکران الی‌مرآت‌ها نگذاشتند، اعم از این که با من سابقه‌آشنایی داشتند یا نداشتند. از روی محبت با من دیدن کرده، به صحبت من بسی مایل بودند. شب‌ها روزها بسی ضیافت‌ها کردند و دعوت می‌نمودند. اغلب از دعوت‌ها طفره می‌رفتم و غذاهای خواستم لکن در بعضی جاها که مجبور بودم و سابقه ارادت داشتم ناچار بودم که به دعوت ایشان ضیافت شوم. صاحبخانه به هوای من چند نفر از محترمین را هم دعوت می‌کرد و هر مجلسی به طور خوشی انقضای می‌یافت.» [۲]

والی ضعیف الدوله

مک‌گرگر که در دوره قاجار به مشهد آمده ضمن دیدار با تعدادی از بزرگان مشهد نوشته است: «یکی از اولین ملاقات‌هایم با والی، استاندار خراسان یعنی ظهیرالدوله بود. وی مردی بسیار مودب بود ولی کودکان می‌نمود. بی‌تردید گماشتن چنین مرده متحرکی که بیشتر شایسته نام «ضعیف الدوله» است، به استانداری خراسان – یعنی یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور – از جانب شاه بخنده دار به نظر می‌رسد. … به هر حال باید بگویم که ایرانیان در نشست و برخاست بسیار آداب‌داند و هم صحبت‌های خوبی هستند. البته من داد و ستدی با ایشان نداشتم، شاید اگر نمی‌داشتم نظرم در باره آن‌ها کمی فرق می‌کرد.» [۳]

تجار

«تجار و کسبه مشهد از سایر طبقات متمایزند و به خوبی شغل و کار آن‌ها تشخیص داده می‌شود. مثلاً بازاری‌ها قبا و ارقا خلق می‌پوشند و عمامه کوچک شیرو و شکری بر سر می‌گذارند و مامورین و کارمندان دولت کت و شلوار فرنگی برتن می‌کنند.» [۴]
هانری رنه دالمانی هم از مهارت زرگرهای مشهد مطالبی بیان کرده است: «زرگرها انگشترهای درشتی درست می‌کنند که حلقه آن نقره و نگین آن فیروزه است و گاهی برای ارزانی‌نگین آن‌ها را از بلور درست می‌کنند و آن‌ها را «الماس نما» می‌گویند.» [۵]

زنان

جو مذهبی مشهد موجب شده تا در کنسولگری‌های مستقر در مشهد، زنان ایرانی حضور نداشته باشند. آنتونی وین در کتاب «ایران را بازی بزرگ» به این موضوع پرداخته و نوشته است: «ما فقط خدمتکار مرد در خانه داشتیم که اجازه نداشتند یا به اندرون کسی بگذارند.» [۶]
ادوار دبیت نیز در باره زنان مشهد با اشاره به بحث خرافات در بین زنان به ماجرای شیر سنگی در میدان سرآب مشهد می‌پردازد، بدین نحو

بازار و مردم شناسی

اما در سفرنامه‌ها بازار و مسائل مردم‌شناسی نیز نمود داشته است. فردریک چارلز ریچاردز ۱۸۷۸/ ۱۹۳۲ م. از مستشرقان و عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان که در دوره قاجار به مشهد سفر کرده پس از توصیف مشهد راجع به بازار و مردم نوشته است: «مشهد شهری بسیار با روح است و قسمت تازه ساز و جدید آن به سرعت پوششی از تمدن مغرب‌زمین به خود می‌گیرد. همچنین نباید تصور کرد که زندگانی بازار گانان شهری فقط در اطراف حرم می‌گذرد، چه، معامله‌فالی و فیروزه و تریاک مقداری از اوقات آن‌ها را می‌گیرد. بازارهای مشهد گرچه از لحاظ معماری جالب نیست، اما از لحاظ انواع مختلف اشخاصی که در آن دیده می‌شود بسیار غنی است.» [۸]
«در خیابانی که در جلوی دروازه بست حرم واقع گردیده همیشه جمعیتی مرکب از طبقات مختلف زوار را لباس‌های گوناگون دیده می‌شود و اهالی زیر کلاهش با هوش مشهدیان‌ها را از غیب به خردن دعا و طلسم و اشیا یا پرزرق و برق و زیورات می‌کنند تا آن‌ها را به عنوان رهاورد بنا خود بپردازند. جمعه برای خرید و فروش و مبادله کالاچه در داخل و چه در خارج بست روز مهمی محسوب می‌شود. در آن جاپس از چانه‌زدن بسیار، مجموعه‌ای از لباس‌های مستعمل گوناگون، که شخص فکر می‌کند هنگامی که در تصرف صاحب قبلی بوده آخرین مراحل خود را طی می‌کرده در زیر اشعه خورشید، دست به دست می‌گردد. این جا نیز یکی از محل‌هایی است که می‌توان جمعیت مرکب از طبقات گوناگون مردم را مشاهده کرد. گرچه با منسوخ شدن عمامه و جامه محلی نیمی از زیبایی این منظره از بین رفته، با این حال در این محل جمعیتی از مردم با چهره‌های مختلف و آشنا به زبان‌های گوناگون دیده می‌شوند و این بین خوابیدن و خوردن و چای نوشیدن و استعمال دخانیات در ملأ عام نقش مهمی ایفا می‌کند.» [۹]
نگاه‌تیزبین وامبری خاورشناس و سیاح مجارستانی که سال ۱۸۶۴ م. وارد مشهد شد توصیف قابل توجهی از مردم و بازار در بازار مشهد ارائه کرده است. «کثرت عظیمی از مردها در کنار سایه بان‌ها دستگاه اجناس خود یا در جلوی مغازه‌ها، در دو طرف خیابان می‌ایستند یا در خیابان‌ها در حالی که کالاهایشان را بر روی سربا شانه یا دست حمل می‌کنند حرکت کرده‌وار خود را در میان جمعیت بازی می‌کنند و اجناس را با جیغ و داد برای فروش عرضه می‌نمایند و فعالانه و با چالاکی این طرف و آن طرف می‌روند و ولوله عجیبی به راه می‌اندازند و در همان حال با سردادن آواز، خریداران را به خرید کالا‌های شان تشویق می‌کنند. کاملاً غیرممکن به نظر می‌رسد که شخص بتواند راه خود را از میان انبوه متراکم انسان باز کند. اگر بخواهیم عناصری را که باعث این ازدحام می‌شوند تفکیک کنیم می‌بیم که شامل عابران پیاده، اسب سواران، شترهای بارکش، قطار قاطر‌های به هم بسته، عدل‌های کالا و کجاوه هاست. در این کجاوه‌ها بانوان نیمه محجبه دلبزبانسته‌اند که در دیده نگاه‌های عشوه‌گرانه ای به سوی شما می‌افکنند.» [۱۰]

گداه

مؤلف سفر زمستانی در بدو ورود به مشهد با